

دوفصلنامه زبان‌شناسی گویش‌های ایرانی دانشگاه شیراز

سال اول، شماره دوم، پاییز و زمستان ۱۳۹۵

صص ۱۰۲-۱۲۱

بازنمود مفاهیم معنایی در افعال حرکتی زبان ترکی آذری بر اساس نظریه تالمی

هنگامه واعظی* معراج نوعی هاشجین** سیدمحمد رضی نژاد***

چکیده

پژوهش حاضر به بررسی بازنمود مفاهیم معنایی مسیر و شیوه در فعل‌های حرکتی زبان ترکی آذری بر اساس نظریه تالمی (۲۰۰۰ الف و ب) می‌پردازد. در این چارچوب نظری، زبان‌ها به دو گروه فعل‌بنیاد و قمربنیاد تقسیم می‌گردند. در گروه اول رویداد حرکت از طریق فعل و در گروه دوم از طریق قمر بازنمایی می‌شود. این پژوهش دو هدف را دنبال می‌کند؛ اول این‌که زبان ترکی آذری در کدام یک از این گروه‌ها قرار دارد. دوم، فرضیه فریز (۲۰۰۸) و مسگرخویی (۱۳۹۲) مبنی بر فعل‌بنیاد بودن آن را به چالش می‌کشد. به همین منظور پیکره‌ای متشکل از ۱۶۰ فعل حرکتی (اعم از ساده و مرکب) از فرهنگ لغت و صدای ضبط شده ۲۰ گویشور (۵۰-۷۰ ساله) تهیه شده است. بررسی شواهد زبان ترکی نشان می‌دهد که در بسیاری از فعل‌های حرکتی ترکی آذری، عناصر حرکتی از طریق خود فعل محقق می‌گردند. در دیگر افعال (به ویژه فعل‌های مرکب) نمود مسیر و شیوه از طریق وابسته فعلی در حاشیه آن صورت می‌گیرد. بنابراین در زبان ترکی آذری، ویژگی‌های هر دو گروه مشاهده می‌شود. از این

* استادیار زبان‌شناسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد رشت (نویسنده مسئول) hengamehvaezi@yahoo.com

** دانش‌آموخته کارشناسی ارشد زبان‌شناسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد رشت noei.mn914@yahoo.com

mrazi@uma.ac.ir

*** استادیار زبان‌شناسی دانشگاه محقق اردبیلی

تاریخ پذیرش مقاله: ۹۶/۰۴/۲۵

تاریخ دریافت مقاله: ۹۶/۰۱/۰۷

رو زبان ترکی بر روی پیوستاری میان زبان‌های فعل‌بنیاد و قمربنیاد قرار دارد. چنین ویژگی‌ای نشان می‌دهد که رده افعال حرکتی در زبان ترکی که در گذشته فعل‌بنیاد تلقی می‌شدند، در حال حاضر تحت تاثیر زبان فارسی تغییر داشته‌اند که این امر خود را بیش‌تر در فعل‌های مرکب نشان می‌دهد.

واژه‌های کلیدی: فعل حرکتی، زبان ترکی آذری، مسیر، شیوه، فعل‌بنیاد، قمربنیاد.

۱. مقدمه

فعل یکی از مقولات دستوری زبان است که به عنوان شالوده اساسی جمله محسوب می‌شود، بدون آن زبان کارایی خود را از دست بدهد چرا که این مقوله دستوری حامل مفاهیمی چون (زمان، وجه، شمار، نمود^۱، حرکت^۲، مسیر^۳، شیوه^۴ و مانند این‌ها) می‌باشد. این عنصر زبانی همواره جزو موضوع‌هایی است که پیوسته مورد توجه زبان‌شناسان و دستورنویسان بوده و در رویکردهای مختلف زبان‌شناسی مورد بررسی قرار گرفته است. پژوهش حاضر به چگونگی بازنمایی مفاهیم معنایی (مسیر و شیوه) در این مقوله دستوری (فعل حرکتی) بر اساس نظریه تالمی (۲۰۰۰ الف و ب) می‌پردازد تا مشخص کند که زبان ترکی آذری جزو کدام رده زبانی مطرح (فعل‌بنیاد یا قمربنیاد) در چارچوب نظری فوق قرار دارد. تالمی (۲۰۰۰ ب) از دیدگاه معنی‌شناختی به حضور عناصر معنایی در رویداد حرکت می‌پردازد. وی در خصوص رویداد حرکت بیان می‌کند که رویداد حرکت متشکل از شیء در حال حرکت یا ایستا (پیکر^۵) با توجه به شیء دیگر (شیء مرجع یا زمینه^۶) است. این رویداد چهار جزء اصلی دارد. علاوه بر پیکر و زمینه، مسیر و جزء حرکت^۷ نیز در رویداد حرکت وجود دارد. مسیر، جهتی است که پیکر با توجه به زمینه می‌پیماید یا اشغال می‌کند. جزء حرکت به رخداد حرکت

¹ Aspect

² Motion

³ Path

⁴ Manner

⁵ figure

⁶ ground

⁷ motion

یا قرارگرفتن در یک مکان اشاره می‌کند. علاوه بر این اجزای داخلی، رویداد حرکت، رویدادهای خارجی (اجزای فرعی) مانند شیوه حرکت یا سبب را نیز دربردارد (تالمی ۲۰۰۰ ب: ۲۵). او همچنین از دیدگاه دیگر به قمرهای فعل توجه کرده و زبان‌ها را با توجه به چگونگی بازنمایی عناصر معنایی در عناصر روساختی (فعل یا قمر فعل) به دو دسته فعل‌بنیاد و قمربنیاد تقسیم می‌کند. پژوهش حاضر با الگوگیری از این نظریه به بررسی فعل‌های حرکتی زبان ترکی آذری می‌پردازد. بدین منظور نگارنده پیکره حدود ۱۶۰ فعل حرکتی از فرهنگ لغت آذری - فارسی بهزادی جمع‌آوری و سپس با گفتار آذری‌زبانان هشیجین (خلخال از شهرستان‌های استان اردبیل) و حدود پنج ساعت فایل صوتی ضبط شده از ۲۰ گویشور (مرد و زن ۵۰ تا ۷۰ ساله) همین زبان مطابقت داده تا مشخص کند، مفاهیم معنایی در افعال حرکتی زبان ترکی آذری چگونه بازنمود می‌یابند و این زبان در طبقه‌بندی دوگانه تالمی در کدام رده زبانی قرار دارد.

۲. پیشینه پژوهش

ازکیا (۱۳۹۰) با هدف تبیین مفهوم حرکت و رویدادهای حرکتی در ذهن فارسی‌زبانان و نحوه رمزگذاری روساختی آن، تحقیقی انجام داده است. وی بیان می‌دارد که زبان فارسی مطابق پیش‌بینی تالمی (۲۰۰۷)، دارای واژگانی‌شدگی^۱ «شیوه» و «حرکت» در فعل‌ها بوده و به‌مانند دیگر زبان‌های هندواروپایی از الگوی واژگانی‌شدگی «شیوه» و «حرکت» در واژگانی نمودن مفاهیم حرکتی در فعل‌ها استفاده می‌کند. مرور سوابق نشان می‌دهد که در زمینه زبان ترکی آذری پژوهشی صورت نگرفته است. یکی دیگر از پژوهش‌های مرتبط به حرکت، مقاله بابایی (۲۰۱۱) است که به واژگانی‌شدن این نوع افعال در زبان فارسی پرداخته است. وی بیان می‌دارد که در زبان فارسی هردو ساختار هسته‌قالب و غیرهسته‌قالب در بیان مسیر وجود دارد و نتیجه می‌گیرد که نظریه تالمی در طبقه‌بندی دوگانه زبان‌ها در زبان فارسی صادق نیست.

^۱ Lexicalization

حامدی شیروان و شریفی (۱۳۹۲) در مقاله «بررسی رده‌شناختی مقوله قمر در ساخت رویدادی افعال حرکتی در زبان فارسی» در راستای طبقه‌بندی دوگانه زبان‌ها توسط تالمی (۲۰۰۰ب)، مبنی بر این‌که زبان‌ها یا فعل‌بنیاد هستند یا قمربنیاد، با بیان دلایل و شواهد، این نظریه را در مورد زبان فارسی رد می‌کنند. آن‌ها نشان می‌دهند که در زبان فارسی هر دوی این نمودها وجود دارد و نمی‌توان گفت که زبان فارسی مطلقاً در یکی از این دو دسته جای دارد.

مسگرخویی (۱۳۹۲) در مقاله‌ای تحت عنوان «بازنمود مسیر در افعال حرکتی فارسی» به چگونگی بازنمایی مسیر در افعال حرکتی فارسی می‌پردازد. او ۱۴۸ فعل مسیرنمای فارسی را انتخاب و بعد از بررسی و تحلیل آن‌ها به این نتیجه می‌رسد که فعل‌های زبان فارسی ۱۴ نوع مسیر را در خود بازنمایی می‌کنند که حاصل آن‌ها فعل‌های مسیرنما می‌باشد و ادعا می‌کند که برخی از این مسیرها مانند «دور از زمینه» در زبان فارسی از بسامد بالایی برخوردارند.

مسگر خویی (۱۳۹۴) در مقاله دیگر تحت عنوان «بازنمود اطلاعات شیوه در فعل‌های حرکتی فارسی» نیز به مبحث رویداد حرکت و چگونگی بازنمایی مفاهیم معنایی (شیوه) می‌پردازد. وی با استناد به نظر اسلوبین^۱ (۲۰۰۰) و فریز^۲ (۲۰۰۸) انواع اطلاعات شیوه را در دو نوع فعل حرکتی (خودمتکی و انتقالی) بررسی می‌کند. به نظر او برخی اطلاعات شیوه فقط در مورد فعل‌هایی که حاوی حرکت انتقالی هستند، صادق است و برخی دیگر در فعل‌های خودمتکی بازنمود می‌یابند که حاصل آن‌ها فعل‌های شیوه‌نما می‌باشد. وی در نهایت به این نتیجه می‌رسد که زبان فارسی تقریباً به‌طور مشابه از فعل‌های شیوه‌نما و مسیرنما برای بیان رویداد حرکت استفاده می‌کند.

^۱ Slobin

^۲ Perez

۳. بنیاد نظری

تالمی (۲۰۰۰ الف و ب) روابط نظام‌مند زبانی بین معنا و بیان روساختی را مورد بررسی قرار داده است. وی معتقد است رابطه میان معنا و صورت لزوماً رابطه‌ای یک به یک نیست، یعنی ممکن است مجموعه‌ای از عوامل معنایی توسط یک صورت واژگانی بیان شود یا برعکس؛ ترکیبی از عوامل صوری بیانگر یک معنا باشد، تالمی در همین زمینه بحثی پیرامون الگوهای واژگانی شدگی و تجزیه و تحلیل ساخت رویدادی^۱ افعال حرکتی را مطرح می‌کند و بیان می‌کند ارتباط نظام‌مندی بین معنا و صورت روساختی وجود دارد و همچنین مقوله دستوری را تحت عنوان قمر^۲ در ساخت افعال مطرح می‌کند. وی براساس چگونگی بازنمایی عناصر معنایی (مسیر و شیوه) در رویداد حرکتی، طبقه‌بندی دوگانه‌ای را ارائه می‌کند. ایشان زبان‌هایی را که این عناصر را در خود فعل‌ها بیان می‌کنند، زبان‌های فعل‌بنیاد و زبان‌هایی که این عناصر را در عنصر غیرفعلی (وابسته فعل) بیان می‌کنند، زبان‌های قمربنیاد معرفی می‌کند و ادعا می‌کند که زبان‌ها یا فعل بنیاد هستند یا قمربنیاد.

۳-۱. نظریه الگوهای واژگانی شدگی^۳ تالمی

یکی از مهم‌ترین نظریه‌های تالمی، نظریه الگوهای واژگانی شدگی وی می‌باشد. از نظر او واژگانی شدگی زمانی اتفاق می‌افتد که یک جزء معنایی به یک تکواژ خاص وابستگی منظم پیدا کند (تالمی، ۲۰۰۰ الف و ب: ۲۴). او برای تبیین نظریه واژگانی شدگی معتقد است که در زبان، ارتباطی نظام‌مند میان عنصر معنایی و یک تکواژ وجود دارد. به عبارت دیگر، عناصر زبانی را می‌توان به عناصر معنایی و صورت‌های روساختی تفکیک کرد. عناصر معنایی را می‌توان به «حرکت»، «مسیر»،

^۱ Event structure

^۲ Satellite

^۳ Lexicalization pattern

«پیکر»، «زمینه»، «شیوه»، «سبب» و عناصر روساختی را به «فعل»، «حرف اضافه»، «بندهای پیرو» و «قید» و مانند این‌ها تقسیم کرد (تالمی، ۲۰۰۰ ب: ۲۳).

۳-۲. رویداد حرکت و اجزای آن

تالمی موقعیتی را که حاوی حرکت یا ایستایی (پیکر) است به عنوان رویداد حرکت معرفی می‌کند. به نظر ایشان، رویداد حرکت متشکل از شیء در حال حرکت یا ایستا (پیکر) با توجه به شیء دیگر (شیء مرجع یا زمینه) است. این رویداد چهار جزء اصلی دارد. علاوه بر پیکر و زمینه، مسیر و جزء حرکت نیز در رویداد حرکت وجود دارد. مسیر، جهتی است که پیکر با توجه به زمینه می‌پیماید یا اشغال می‌کند. جزء حرکت به رخداد حرکت یا قرارگرفتن در یک مکان اشاره می‌کند. علاوه بر این اجزای داخلی، رویداد حرکت، رویدادهای خارجی (اجزای فرعی) مانند شیوه یا سبب را نیز دربردارد (تالمی، ۲۰۰۰، ب: ۲۵). در مثال زیر اجزای رویداد حرکت طبق تعریف تالمی تبیین می‌گردد:

1. Mary ran out of the house.

در این مثال Mary پیکر، House زمینه و out of مسیر حرکت را بازنمایی می‌کند. فعل (ran) دویدن به طور همزمان واقعیت و شیوه حرکت را بیان می‌کند.

۳-۲-۱. مسیر

اغلب فعل‌های حرکتی در خود بار معنایی حرکت را دارند، در حقیقت دارای نقطه آغاز، طول مسیر و نقطه پایان هستند. هر حرکتی علاوه بر این سه موضوع (آغاز، طول مسیر و نقطه پایان) جهت (مسیر) حرکت نیز دارد. مسیر و سه مولفه فرعی آن در زبان‌های مختلف به طرق متفاوت ظاهر می‌شوند، مثلاً در زبان‌های قمرینیا، مانند زبان انگلیسی، این مولفه توسط قمرهای همراه فعل بیان می‌شوند. برای نمونه در جمله زیر سه مولفه فرعی مسیر بازنمایی می‌شوند:

2. Oscar went **out of** the house **across** the field **to** the station.

به نظر می‌رسد اکثر افعال حرکتی همچون «رفتن»، «آمدن» و «دویدن» جهت خاصی را مفهوم‌سازی نمی‌کنند و مسیر همواره به صورت مستقیم در ذهن انسان مفهوم‌سازی می‌شود، درحالی که برخی از افعال جهت خاصی را مفهوم‌سازی می‌کنند و این مفهوم‌سازی در خود فعل صورت می‌پذیرد. برای مثال در فعل حرکتی «افتادن» [جهت بالا به پایین] و فعل حرکتی «افراشتن» [جهت پایین به بالا] را نشان می‌دهد. در مواردی هم مفهوم جهت توسط عناصر روساختی دیگری همچون «حروف اضافه» بازنمایی می‌شوند، مانند:

3. He went **down** the stairs. او از پله‌ها پایین رفت

در مثال شماره (۳) عنصر رو ساختی «پایین» مسیر حرکت را بازنمایی می‌کند. از همراهی مسیر و جزء حرکتی، فعل‌های مسیرنما به دست می‌آید.

۳-۲-۲. شیوه و سبب

دو مولفه بیرونی (جانبی) «شیوه» و «سبب» نیز در مفهوم‌سازی رویداد حرکتی تاثیرگذار هستند (تالمی، ۲۰۰۰ الف: ۸). او معتقد است مولفه‌های بیرونی «شیوه» و «سبب» مولفه‌های فرعی حرکت هستند که از آن‌ها تحت عنوان «رویداد همراه»^۱ یا به عبارتی «هم‌رویداد» یاد می‌کند. «شیوه» چگونگی به انجام رسیدن حرکت را نشان می‌دهد در حالی که «سبب» یعنی آنچه باعث و سبب حرکت می‌شود. مولفه‌های «شیوه» و «سبب» در مفهوم‌سازی می‌توانند به صورت مجزا، ادغامی یا ترکیبی با جزء حرکتی بازنمایی شوند. از همراهی شیوه با جزء حرکتی فعل‌های شیوه‌نما به دست می‌آید.

۳-۳. قمر

قمر مقوله‌ای دستوری است که شامل هر سازه‌ای غیر از متمم اسمی یا گروه حرف اضافه‌ای، همراه فعل است که با ریشه فعل رابطه خواهری داشته باشد. رابطه آن با فعل مثل رابطه وابسته با هسته است و می‌تواند به صورت یک وند و قید یا یک واژه آزاد

^۱ Co - Event

باشد (تالمی، ۲۰۰۷ : ۱۳۹). لازم به یادآوری است که قمر وابسته و مقید به فعل و در زیرگروه فعلی قرار می‌گیرد. این عنصر زبانی می‌تواند بار معنایی فعل را در خود بیان کند. بر همین اساس تالمی زبان‌ها را در دو گروه مجزا تحت عنوان (قمربنیاد و فعل‌بنیاد) طبقه‌بندی می‌کند و بر همین اساس اسلوبین (۲۰۰۴) نیز به نقل از (فرز، ۲۰۰۸ : ۳۸) زبان‌ها را در دو گروه مجزای قمربنیاد و فعل‌بنیاد دسته‌بندی می‌کند. منظور از زبان‌های قمربنیاد زبان‌هایی هستند که مفاهیم محوری (مسیر و شیوه) در آن‌ها بر روی عنصر حاشیه‌ای فعل (قمر) بیان می‌شود. در این دسته از زبان‌ها عناصر قمری فعل، صورت‌هایی هستند که به لحاظ مفهومی در ریشه فعل ادغام نمی‌شوند و به عنوان قمری بر فعل و در کنار آن ظاهر می‌گردند که این قمرها اکثراً در پس یا پیش از فعل قرار می‌گیرند. به اعتقاد تالمی عناصر قمری یک فعل حرکتی لزوماً جهت نبوده و دیگر عناصر مفهومی (شیوه و علت) نیز این امکان را دارند که قمری بر فعل محسوب گردند (تالمی، ۲۰۰۰ ب : ۲۵ و ۱۰۲). ژرمنی، اسلاوی و فینو-اوکریایی نمونه‌هایی از این زبان‌ها محسوب می‌شوند. اما دسته دیگری از زبان‌ها، زبان‌های فعل‌بنیاد هستند، زبان‌هایی که مفاهیم محوری (مسیر، شیوه) بر روی خود فعل بیان می‌شود. رومیایی، سامی، ترکی و زبان‌های اشاره نمونه‌هایی از این زبان‌ها محسوب می‌شوند.

در بیش‌تر زبان‌ها تمیز قمر از حرف‌اضافه برای گویشوران آن دشوار می‌باشد و دانستن تفاوت آن با حروف اضافه برای سهولت در تشخیص قمر لازم به نظر می‌رسد. قمر همراه فعل معمولاً به صورت پیشوند یا پسوند به آن می‌پیوندد ولی حرف‌اضافه همراه اسم می‌آید و گروه اسمی به وجود می‌آورد. قمر به تنهایی دارای معنی مستقلی هست، وقتی با فعل همراه می‌شود معنی آن را تغییر می‌دهد در حالی که حرف اضافه این چنین نیست. گاهی اوقات در زبان انگلیسی برخی از حروف‌اضافه به عنوان قمر به کار می‌روند در حالی که برخی دیگر از حروف اضافه هرگز در نقش قمر به کار نمی‌روند، در این صورت حرف‌اضافه و قمر می‌توانند در کنار هم به کار روند. برخی از این

صورت‌ها وجود دارند که همیشه قمر هستند و هرگز به عنوان حرف‌اضافه به کار نمی‌روند (تالمی، ۲۰۰۰ ب: ۱۳۹). مانند نمونه‌های زیر:

together – forth – back – away – apart

صورت‌هایی که حرف‌اضافه هستند و هرگز به عنوان قمر به کار نمی‌روند، مانند :

toward - from – at- of

البته صورت‌هایی وجود دارد که هم نقش حرف‌اضافه و هم نقش قمر دارند. مانند (to) که در جمله شماره (۴) نقش حرف‌اضافه، درحالی‌که در جمله شماره (۵) نقش قمر دارد. صورت‌هایی که در دو نقش متفاوت (حرف‌اضافه و قمر) به کار می‌روند حتما در دو جمله معانی متفاوتی را دربردارند.

4. I went to the store .

5. I come to home .

۴. تجزیه و تحلیل داده‌های پژوهش

۴-۱. رویداد حرکت و اجزای آن در زبان ترکی آذری

مطابق تعریف تالمی (۲۰۰۰ ب) رویداد حرکت همان موقعیتی است حاوی حرکت یا ایستایی که شیء (پیکر) نسبت به شیء دیگر (زمینه) می‌پیماید یا اشغال می‌کند. رویداد حرکت متشکل از چهار جزء اصلی و دو جزء فرعی (جانبی) می‌باشد که به نظر می‌رسد در زبان ترکی آذری نیز این امر صادق باشد. این اجزا را همراه با مثال‌هایی در زبان ترکی آذری مطابق نظر تالمی توضیح و تشریح می‌کنیم.

الف) پیکر و زمینه: پیکر و زمینه از جمله دو جزء اصلی در رویداد حرکت هستند که توسط گروه اسمی بازنمود می‌شوند که پیکر به لحاظ مفهومی قابل حرکت یا در حال حرکت می‌باشد ولی زمینه ماهیت مرجع‌وار و موقعیتی ثابت دارد (تالمی، ۲۰۰۰ الف: ۳۱۲). در مثال پایین موقعیت‌های یاد شده در زبان ترکی آذری نشان داده شده است:

6. dada - m dunan baγ - α ?et - di.

ن گ^۱. برو به باغ (زمینه) دیروز من پدر (پیکر)

^۱ نشانه گذشته

- پدر من دیروز به باغ رفت.

در مثال فوق *dada* (پدر) به عنوان شیء در حال حرکت و *baγ* (باغ) مقصد به عنوان زمینه یا شیء ثابت در رویداد حرکت بازنمود یافته است.

ب) مؤلفه مسیر و جزء حرکتی: در رویداد حرکت تغییر مکان یا جابجایی شیء اتفاق می‌افتد، پس هر جابجایی یک نقطه آغاز و یک نقطه پایانی دارد و بین آن دو، طول مسیر می‌باشد. بنابراین مسیر همان مسافتی است که شیء (پیکر) تا مقصد (زمینه) طی می‌کند و بیش‌تر جهت حرکت مد نظر است نه طول مسیر، لیکن جزء حرکتی در فعل‌های حرکتی همان جوهر حرکت می‌باشد، در اصل شرط لازم برای آن است؛ به مثال زیر توجه کنید.

7. *Tahra Tehran - nan ?al - di.*

ن گ. بیا (جزء حرکتی) از (مسیر) تهران طاهره طاهره از تهران آمد.
در مثال (۷) فعل حرکتی *?al-mak* (آمدن) به عنوان جزء حرکتی و نشان‌دهنده مسیر حرکت که در آن واژگانی شده است و *nan* (از) به عنوان حرف اضافه در زبان ترکی آذری نشان‌دهنده مسیر نیز می‌باشد.

ج) شیوه و سبب: دو مؤلفه فرعی رویداد حرکت هستند که در مفهوم‌سازی آن تاثیر زیادی دارند و تالمی از آن‌ها به عنوان رویداد همراه یا (هم‌رویداد) یاد می‌کند. شیوه، چگونگی و روش به وقوع پیوستن یا انجام حرکت را می‌رساند ولی سبب، همان علت و هر آن چیزی که باعث حرکت می‌شود است. در زبان ترکی آذری نیز این امر صادق است، مانند نمونه زیر:

8. *futbal - dan sora hysejn ?axsa- du.*

ن گ. لنگید حسین (پیکر) بعد از فوتبال

- بعد از فوتبال، حسین لنگید.

در مثال شماره (۸) فعل حرکتی *?axsa-max* (لنگیدن) به طور همزمان، هم شیوه و هم سبب را بازنمایی می‌کند، یعنی این واژه چگونگی و علت چنین حرکتی را بعد بازی

فوتبال در خود حمل می‌کند، در اصل این دو مولفه معنایی در فعل حرکتی واژگانی شده است.

بنابراین تمامی اجزای رویداد حرکت (اصلی و فرعی) طبق تعریف تالمی در زبان ترکی آذری نیز توسط یک یا چند عنصر زبانی بازنمایی می‌شوند. همان‌طور که در مثال‌های (۶-۸) دیده شد «پیکر» در فاعل، «جزء حرکتی» در فعل «زمینه» در گروه حرف‌اضافه‌ای، «مسیر» در خود فعل، حرف اضافه یا قمر و «شیوه» هم در خود فعل و قمر آن بازنمایی می‌شود. البته لازم به ذکر است که این موارد همیشه و همه‌جا صدق نمی‌کند، زیرا گاهی اوقات چند مفهوم معنایی می‌توانند توسط یک عنصر زبانی بازنمود شوند (ادغام)؛ یا برعکس، یک مفهوم معنایی با چند عنصر زبانی نشان داده می‌شوند. چنین موردی در ادامه مقاله با نمونه مورد بحث قرار می‌گیرد.

۴-۲. بازنمود مفاهیم معنایی حرکت در افعال حرکتی زبان ترکی آذری

در زبان ترکی آذری اجزای معنایی رویداد حرکت در فعل‌های حرکتی، هم با جزء حرکتی ترکیب (واژگانی‌شدگی) می‌شود و هم در حاشیه آن بازنمود می‌یابد. برخی از فعل‌های حرکتی زبان ترکی آذری تنها یک جزء معنایی (مسیر، شیوه یا سبب) را در خود بازنمایی می‌کنند، مانند فعل‌های حرکتی *duɣ-mak* (افتادن) و *axsɑ-max* (لنگیدن) در مثال‌های شماره (۹ و ۱۰) به ترتیب مسیر و شیوه را بازنمود می‌کنند. در بین فعل‌های حرکتی که حرکت را تنها با یک جزء معنایی دیگر نشان می‌دهند، دو الگوی واژگانی‌شدگی پربسامد دیده می‌شود (جزء حرکت + شیوه) و (جزء حرکت + مسیر) که حاصل آن‌ها به ترتیب فعل‌های شیوه‌نما و مسیرنما می‌باشد که فعل‌های یاد شده، همراه بسامدشان در ذیل مشهود خواهد بود. در بعضی از موارد دیده می‌شود که یک فعل حرکتی چند عنصر معنایی را در خود بازنمود می‌کند، مانند: *ʔajl-mak* (خمیدن) در جمله شماره (۱۱) هم‌زمان مفاهیم معنایی شیوه، مسیر و سبب را بازنمود کرده است، یعنی فعل مذکور نشان‌دهنده حالت حرکت (خمیده)، مسیر رو به پایین و

علت چنین حرکتی را هم در خود بازنمایی می‌کند. این نمونه‌ها از بسامد کم‌تر برخوردار هستند:

9. alma αγαdɜ- dan du,f .dy

سیب درخت از افتد ن.گ.

- سیب از درخت افتاد.

10. ʔit- un guɟf- u αxs ej.

سگ ض.م پا ض.م^۲ می‌لنگد ن.ح^۱.

- پای سگ می‌لنگد.

11. godɜa ki,fɪ ʔajl- ip di.

پیر مرد خم شو ض.س^۳ ن.گ.

- پیرمرد خم شده است.

به این ترتیب از همراهی جزء حرکتی با مسیر، افعال مسیرنما درست می‌شود و از همراهی آن با شیوه، فعل‌های شیوه‌نما به دست می‌آید که در زیر به تفصیل مورد بحث و بررسی قرار خواهد گرفت.

۴-۲-۱. افعال مسیرنما در زبان ترکی آذری

افعال مسیرنما، افعالی هستند که رویداد حرکت را همراه با مسیر حرکت (الگوی جزء حرکت + مسیر) بازنمود می‌کنند که در زبان ترکی آذری از بسامد بالایی برخوردار هستند (با توجه به داده‌های پژوهش حاضر). همان‌طور که پیش‌تر اشاره شد مسیر همان جهت حرکت پیکر نسبت به زمینه است که انواع مختلفی از آن‌ها در فعل‌های حرکتی مسیرنما بازنمود می‌یابند. نمونه‌های افعال حرکتی مسیرنمای زبان ترکی آذری به قرار زیر است:

^۱ نشانه حال

^۲ ضمیر ملکی

^۳ ضمیر سوم شخص مفرد

gatir-mak (آوردن)، jetif-mak (رسیدن)، jetir-mak (رساندن) tʃak-mak
 (کشیدن)، goj-max (گذاشتن)، gal-mak (آمدن)، tʃuzax laf-max (دور
 شدن)، tʃuzaxlat-max (دور کردن)، dala vurr-max (عقب زدن)، jolla-max
 (فرستادن)، tʃapar-max (بردن)، get-mak (رفتن)، vella-mak (رها کردن)،
 tʃajruul-max (جدا شدن)، tʃajuur-max (جدا کردن)، tʃaralan-max (فاصله
 گرفتن)، dala tʃakil-mak (عقب کشیدن)، jaγ-max (باریدن)، jaγ / jaγuɸ jaγ-
 max (باریدن برف / باران)، tʃotur-max (فرود آمدن)، tʃoturt-max (فرود آوردن)،
 dyf-mak (افتادن / پرت شدن)، tʃaɸaɸu gal-mak (پایین آمدن)، tʃaɸaɸu
 mak (پایین کشیدن)، tʃaɸaɸu sal-max (پایین انداختن)، tʃaɸaɸu ver-mak
 (پایین دادن)، joxun dyf-mak (نزدیک شدن).

لازم به یادآوری است که پسوندهای mak و max در زبان ترکی آذری نشانه
 مصدری می‌باشند با این توضیح که افعالی که آخرین حرف صدادارش کشیده باشد
 پسوند max ولی اگر صدای کوتاه باشد mak می‌گیرد؛ بدین ترتیب؛ مانند، get-mak
 (رفتن) tʃapar-max (بردن)، که به این قاعده هماهنگی آوایی گفته می‌شود.
 با بررسی افعال مسیرنمای یادشده در بالا مشاهده می‌شود که در بیش‌تر این افعال،
 مسیر در خود فعل‌ها واژگانی شده و در برخی دیگر در جزء غیرفعلی (قمر) آن‌ها
 باز نمود یافته‌اند، جدول (۴-۱) موید این مطلب است:

جدول (۴-۱) تفکیک افعال مسیرنما به لحاظ جایگاه مسیر.

بازنمود مسیر در خود فعل	بازنمود مسیر در جزء غیر فعلی (قمر)
?al-mak (آمدن)	dala gal-max (عقب ماندن)
jetif-mak (رسیدن)	dala vur-max (عقب زدن)
tfux-max (خارج شدن)	dala tfak-mak (عقب کشیدن)
jugur-mak (یورش بردن)	gabaga al-mak (جلو انداختن)
tfak-mak (کشیدن)	juxaru apax-max (بالا بردن)
?at-max (پرت کردن)	joxun duf-mak (نزدیک شدن)
?otur-max (نشستن)	?afagu tfak-mak (پایین کشیدن)
go-max (دنبال کردن)	
?ud-mak (تعقیب کردن)	

۴-۲-۲. افعال شیوه‌نما در زبان ترکی آذری

«شیوه» یکی از مولفه‌های فرعی (جانبی) رویداد حرکت است که روش و حالت به انجام رسیدن حرکت را نشان می‌دهد و فعل‌های شیوه‌نما همان فعل‌های حرکتی هستند که علاوه بر بازنمود حرکت در خود، چگونگی و حالت حرکت را نیز بیان می‌دارند. بیش‌تر افعال حرکتی شیوه‌نما از نوع «انتقالی» هستند. تالمی حرکت را به دو نوع «انتقالی^۱» و «خودشامل^۲» تقسیم می‌کند؛ حرکت انتقالی، حرکتی است که طی آن پیکر از نقطه‌ای به نقطه‌ای دیگر تغییر مکان می‌دهد اما حرکت خودشامل؛ حرکتی است که در آن پیکر از یک نقطه شروع به حرکت می‌کند و بعد از طی مسیری به نقطه شروع بر می‌گردد و یا پیکر بدون این که مکان اصلی خود را تغییر دهد متحمل حرکت درجا می‌شود، مانند چرخش، لرزش، تکان و مانند این‌ها.

طبق رده‌بندی دوگانه تالمی (۲۰۰۰ الف و ب) و نیز معرفی انواع حرکت از سوی او، دسته‌بندی‌های مختلفی از انواع اطلاعات شیوه در زبان‌های گوناگون ارائه شده است،

¹ translational

² Self-contained

از جمله اسلوبین (۲۰۰۰) و فریز (۲۰۰۸) که فهرست کاملی از اطلاعات شیوه را پیشنهاد کرده‌اند، زبان ترکی آذری نیز بیشتر این شیوه‌ها را در فعل‌های حرکتی بازنمایی می‌کند. افعال شیوه‌نمای خودشامل و انتقالی، علاوه بر ویژگی حرکتی، شیوه حرکت را نیز بازنمایی می‌کنند که در واژگان زبان ترکی آذری در اکثر موارد، از طریق فعل و در تعدادی از آن‌ها از طریق قمر، بازنمود می‌یابند. مانند؛

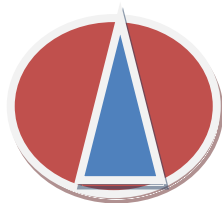
donbəl-max (دولا شدن)، donbat-max (دولا کردن)، baɣaj-mak (سرتعظیم فرود آوردن) ʔajax dur-max (پا شدن)، dur-max (بلندشدن)، ʔotur-max (نشستن)، ʃømbalatma vur-max (چمباتمه زدن)، bykyl-mak (مچاله شدن)، juɣul-max (جمع شدن)، juɣ-max (جمع کردن)، ʔuzan-max (دراز کشیدن)، ʔuzat-max (دراز کردن)، lam ver-mak (لمیدن)، dajan-max (تکیه دادن)، ʃakil-mak (کش آمدن)، ʃak-mak (کش دادن / کشیدن)، burul-max (حلقه شدن)، dolaɣ-max (پیچیدن دور چیری)، dola-max (پیچاندن)، ganatdan-max (بال‌بال زدن)، ʔal vur-max (کف / دست زدن)، titra-mak (لرزیدن)، titirat-mak (لرزاندن)، tarpan-mak (تکان خوردن)، tarpat-mak (تکان دادن)، ʔas-mak (لرز کردن) furrən-max (چرخ خوردن)، furrat-max (چرخ دادن)، majalax vur-max (معلق زدن)، ʔaɣ-max (واژگون شدن) ʔaɣur-max (واژگون کردن)، døn dar-mak (وارونه کردن)، døn-mak (وارونه شدن).

با بررسی نمونه‌هایی از افعال شیوه‌نمای زبان ترکی آذری مشاهده می‌شود که بیش‌تر این افعال، شیوه حرکت را در خودشان به صورت واژگانی شده بازنمود می‌کنند و در چندین مورد این بازنمایی از طریق قمر فعل صورت می‌گیرد؛ در جدول (۴-۲) به تفکیک به آن‌ها اشاره شده است:

جدول (۴-۲) تفکیک افعال شیوه‌نما به لحاظ جایگاه شیوه

بازنمود شیوه در جزء غیر فعلی (قمر)	بازنمود شیوه در خود فعل
fuluggu vur-max (لی لی رفتن)	ayna-max (به پهلو غلتیدن)
valuvur-max (پیچ و تاب خوردن)	axsa-max (لنگیدن)
sox ul-max (به زور وارد شدن)	syruş-mak (سُر خوردن)
majalax vur-max (پشتک زدن)	ax-max (لیز خوردن)
	jøgur-mak (یورش بردن)
	gaş-mak (فرار کردن)
	la-max (پیچاندن)

با بررسی و تحلیل داده‌های پژوهش، شاهد چگونگی بازنمایی مفاهیم معنایی در افعال حرکتی شده و بسامدشان را در شکل (۱) مشاهده می‌کنیم.



شکل (۱) توزیع بسامد مفاهیم معنایی در افعال حرکتی

۴-۳. بررسی قمر در زبان ترکی آذری

قمر بر اساس تعاریف و معیارهایی که در بخش بنیاد نظری ذکر شد، در زبان ترکی آذری نیز قابل پیش‌بینی و تشخیص است. قمر طبق تعریف تالمی (۲۰۰۰ الف و ب) مقوله دستوری بسته‌ای است که شامل هر سازه‌ای غیر از متمم اسمی یا گروه حرف اضافه‌ای، همراه فعل می‌شود و با ریشه فعل رابطه خواهری دارد. قمر مقید به فعل است، یعنی، همراه و در زیرگروه فعلی به کار می‌رود که برخی از مواردی که در زبان ترکی آذری به عنوان قمر بر فعل اعمال می‌شود را در پایین ذکر می‌کنیم:

الف) برخی از پیوندهای الحاقی (توصیفی و تصریفی) به ریشه فعل که فعل‌های پیوندی را تشکیل می‌دهند نشان‌دهنده مفاهیم معنایی چون شیوه، مسیر، سبب یا نمود هستند. مانند؛ الحاق پیوندهای "ul" و "dur" به ریشه فعلی sox-max (وارد کردن)، که به ترتیب فعل‌های پیوندی sox ul-max (به‌زور وارد شدن) و sox dur-max (کسی سبب وارد کردن چیزی به جایی شود) بدست می‌آید. پیوندهای الحاقی "ul" و "dur" به ریشه فعل یاد شده مقید به فعل، زیرگروه فعلی و خواهر آن هستند و معیارهای قمر بودن را دارند؛ پس آن‌ها قمر فعل محسوب می‌شوند. قمر اول "ul" شیوه حرکت و دومی "dur" شیوه و سبب حرکت را همزمان بازنمایی می‌کنند. البته در ریشه فعلی هر دو فعل پیوندی، مفهوم معنایی مسیر (به داخل زمینه) نیز به صورت واژگانی شده بازنمود شده‌است.

ب) پیوندهای maxda, makda, ir به عنوان پیوندهای استمراری‌ساز به ریشه فعل اضافه می‌شوند و مفهوم معنایی دیگری مانند نمود فعل را نشان می‌دهند که همه ویژگی‌های قمر بودن را دارا هستند؛ مانند:

?et makda di (در حال رفتن است)، gaɸ maxda du (در حال فرار / دویدن است) و daɸej ir (می‌برد / حمل می‌کند).

ج) برخی از عناصر قمری فعل‌های مرکب در زبان ترکی آذری، مفاهیم معنایی مسیر یا شیوه را بازنمود می‌کنند، مانند؛ ?aɸaɸgu (پایین)، juxaru (بالا)، fuɸluggu (لی لی)، jer (زمین)، valaj (کج)، ganat (بال / پر)، joxun (نزدیک)، ?uzax (دور) و ?ajax (پا / رکاب) و مانند این‌ها.

این عناصر در فعل‌های مرکب به شکل نمونه‌های زیر به کار می‌روند:

?aɸaɸgu gal-mak (پایین آمدن)، juxaru get-mak (بالا رفتن) fuɸluggu get-mak (لی لی رفتن)، jera vuv-max (زمین زدن)، vali vuv-max (کژدار و مریض حرکت کردن)، ganat vuv-max (بال / پر زدن)، joxun gal-mak (نزدیک آمدن)، ?ajax vuv-max (رکاب زدن) و مانند این‌ها.

بررسی داده‌های جمع‌آوری شده نشان می‌دهد که در زبان ترکی آذری فعل‌های مرکب نیز به کار می‌روند. بسیاری از این افعال ماخوذ از زبان فارسی هستند و برای تعدادی از آن‌ها در این زبان معادل ساده وجود دارد، مانند؛ jera vur-max (زمین زدن) می‌شود jux-max و ?a?agu gal-mak (پایین آمدن) می‌شود ?an-mak. با وجود این نمی‌توان از جزء غیرفعلی فعل‌های مرکب زبان ترکی آذری که نقش قمر را بازی می‌کند، چشم‌پوشی کرد. همان‌طور که داده‌های جمع‌آوری شده نشان می‌دهند، جزء غیرفعلی برخی از فعل‌های حرکتی زبان ترکی آذری نقش قمر را بازی می‌کنند و در بازنمایی رویداد حرکت نقشی ایفا می‌کنند.

۵. نتیجه‌گیری

همان‌طور که ملاحظه شد رویداد حرکت در زبان ترکی آذری نیز مطابق تعریف تالمی به اجزای شش‌گانه تقسیم می‌شود که چهار جزء اصلی (بیکر، زمینه، مسیر و جزء حرکتی)، و دو جزء دیگر (شیوه و سبب)، فرعی (جانبی) می‌باشند. در همین راستا مشاهده کردیم که مفاهیم معنایی مسیر و شیوه و بعضی مواقع، سبب هم توسط عناصر وابسته به فعل (قمر) بازنمود یافتند، مانند: juxaru ?et-mak (بالا رفتن)،- ganat vur-max (پر / بال زدن) و هم توسط خود فعل‌های حرکتی بازنمود (واژگانی) شدند، مانند: gal-mak (آمدن)، gatf-max (دویدن)، ?axsa-max (لنگیدن). در بین فعل‌های حرکتی زبان ترکی آذری که حرکت را تنها با یک جزء معنایی دیگر نشان می‌دهند، دو الگوی واژگانی‌شدگی با بسامد بالا مشاهده شد (در نمودار پیش‌تر)، عبارتند از (جزء حرکتی + مسیر) و (جزء حرکتی + شیوه)، به ترتیب حاصل آن‌ها فعل‌های مسیرنما و شیوه‌نما می‌باشد، مانند: du,f-mak (افتادن) و ?axsa-max (لنگیدن) گاهی اوقات یک فعل حرکتی چند عنصر معنایی را در خود بازنمود می‌کند، مانند: ?ajl-mak (خمیدن).

نمود فعل در زبان ترکی آذری هم توسط عناصر روساختی (قمر)، در شکل استمراری (با پسوندهای استمرارساز *ma?da* , *makda* و *ir*) مانند: (*?al-makda*) یعنی در حال آمدن و هم در فعل‌ها به صورت واژگانی‌شده، نشان داده می‌شود، مانند: فعل‌های لحظه‌ای (*patda-max*) ترکیدن و فعل‌های تداومی مانند (*je-mak*) خوردن، که به ترتیب نمود کامل و ناقص (استمراری) در خود فعل‌ها واژگانی‌شده است.

رده‌بندی دوگانه تالمی بر اساس انتخاب عناصر معنایی (مسیر و شیوه) در رویداد حرکتی و نحوه بازنمایی آن‌ها در روساخت، زبان‌ها را به دو دسته فعل‌بنیاد و قمربنیاد تقسیم می‌کند. بر این اساس زبان ترکی آذری به لحاظ این که این عناصر معنایی (شیوه و مسیر) را در قمر فعل‌ها بازنمایی می‌کنند، مانند: نشانه‌های استمراری (*makda*, *ma?da*, *ir*) به صورت پسوند الحاقی در فعل، برخی پیوندهای الحاقی دیگر در فعل‌های پیوندی مانند: “*ul*” در (*sox ul-max*) به معنی به زور وارد شدن و جزء غیرفعلی برخی از افعال مرکب، قمربنیاد است و در بیش‌تر موارد این عناصر معنایی در خود فعل (لحظه‌ای و تداومی و...) به صورت واژگانی‌شده بیان می‌شود که از این لحاظ فعل‌بنیاد است.

بنابراین رده‌بندی داده‌های زبان ترکی آذری را می‌توان بر روی پیوستاری در نظر گرفت که در یک سوی محور رده زبان‌های فعل‌بنیاد و در سوی دیگر، رده زبان‌های قمربنیاد قرار دارد و زبان ترکی آذری بر روی پیوستاری قرار می‌گیرد که به زبان‌های فعل‌بنیاد تمایل دارد.

زبان ترکی آذری

زبان‌های قمربنیاد ← → زبان‌های فعل‌بنیاد

فهرست منابع

ازکیا، ندا (۱۳۹۰) حرکت در زبان فارسی رویکرد شناختی و رده‌شناختی، رساله دکتری زبان‌شناسی همگانی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم تحقیقات تهران.

بهزاد، بهزادی (۱۳۸۲) فرهنگ آذربایجانی - فارسی (ترکی)، فرهنگ معاصر، چاپ دوم، تهران.

حامدی شیروان، زهرا و شهلا شریفی (۱۳۹۲) «بررسی رده‌شناختی مقوله قمر در ساخت رویدادی افعال حرکتی در زبان فارسی»، جستارهای زبانی، دوره پنجم، شماره ۲، پیاپی ۱۸، صص ۷۱-۸۹.

مسگر خوبی، مریم (۱۳۹۲) «بازنمود مسیر در افعال حرکتی فارسی»، مجله دستور، ویژه‌نامه فرهنگستان، شماره ۹، صص ۷۴-۹۲.

مسگر خوبی، مریم (۱۳۹۴) «بازنمود اطلاعات شیوه در فعل‌های حرکتی فارسی بر اساس نظریه الگوهای واژگانی شدگی»، نشریه پژوهش‌های زبان‌شناسی تطبیقی، سال پنجم، شماره ۱۰، صص ۷۵-۹۰.

Babai, H. (2011) "Lexicalization of Motion Event in Persian", in *Theory and Practice in Language Studies*. Vol. 1. No. 2. PP: 157- 162.

Ferez, P. (2008) *Motion in English and Spanish: a Perspective from Cognitive Linguistics*, Typology and Psycholinguistics, Spain: Doctoral dissertation.

Slobin, D. I. (2004) The Many Way to Search for a Frog: Linguistic Typology and University de Murcia the Expression of Motion Event. In Sven Strömqvist & L. Verhoeven (eds.), *Relating Events in Narrative: Vol. 2. Typological and Contextual Perspectives*, 219-257. Mahwah, NJ: Lawrence Erlbaum Associates.

Talmy, L. (2000a) *Toward a Cognitive Semantics*. Vol. 1. Cambridge: MIT press.

Talmy, L. (2000b) *Toward a Cognitive Semantics*. Vol. 2. Cambridge MIT press.

Talmy, L. (2007) Lexical Typologies. In: Shopen, T. (ED.), *language Typology and Syntactic Universals* (Vol. 3), 2nd edition (pp. 66 - 169). Cambridge: Cambridge University press.